

ظریف و تفاهم نامه لوزان

قدر قدرت!

امیر فیض- حقوقدان

آقای ظریف در رابطه با تفاهم لوزان در مورد مسائل هسته ای مورد اختلاف با غرب در مصاحبه زنده با تلویزیون دولتی جمهوری اسلامی، اظهاراتی کرده که این تحریرنقد آن اظهارات است:

ایشان گفته است: *

در جریان مذاکرات با گروه ۱+۵ باور کردیم که آمریکا قدر قدرت نیست و اگر آمریکا قدر قدرت بود پای میز مذاکره با ایران نمی نشست و بعد اظهار امید واری کرده که آمریکا برای اعتبارشکسته اش در میان مردم ایران فکری کند و خیانت‌هایشان را جبران کند، او گفت مابه خود آمریکایی ها هم گفته ایم که بشما اعتماد نداریم.

تصور نمیکنم یک آدم فهمیده که در جریان مذاکرات هست از چنین جملاتی استفاده کند، حرفهای نپخته و بسیار کودکانه است، آنها از جانب وزیر خارجه کشوری در مذاکرات با کشورهای دیگر که حقیقتاً دست ایران زیر چرخ آمریکاست -



آمریکا قدر قدرت نیست

قدر قدرت، یعنی کسی که قدرتش برابر با قدرت قضا و قدر باشد؛ یعنی یک تعارف و تخیل. مفهوم اظهارات ظریف این میشود که جمهوری اسلامی منتظر پیدا کردن یک کشور قدر قدرت بوده تا سروری او را به پذیرد و قرارداد تنظیم کند و اول خیال میکرده که آمریکا قدر قدرت است و بعد فهمید که آمریکا قدر قدرت نیست.

خیلی مضحک است بکار بردن عبارت قدر قدرت از جانب وزیر خارجه کشوری با آن فرهنگ و وارستگی زبان و ادبیات.

قدر قدرت یک اصلاح پژمرده تاریخی است که افراد چاپلوس در مورد سلطان های اسلامی (عثمانی) به کار می گرفتند، و لقب قانونی و شرعی پادشاهان نبود. و آمریکا هم هیچوقت این عبارت مسخره را در مورد خودش بکار نبرده آمریکا مدعی است که ابر قدرت جهان است یعنی در مقابل کشورهای دیگر از نظر قدرت بالاتر است و این امر هم به اعتبار ارقام منتشره از بودجه و قدرت نظامی کشورهاست که آمریکا از نظر

قدرت نظامی و بودجه ای که بیشتر از بودجه نظامی همه کشورهاست اول است. در لیست منتشره از قدرت نظامی کشورها جای مشخصی برای جمهوری اسلامی دیده نمیشود؛ ولی در فلسفه حاکم بر باور جمهوری اسلامی قوم شیعه با ظهور امام موعود تبدیل به قدر قدرت میشود.

قرارداد های بین المللی و قدرت و ضعف کشورها

بهر حال مسئله قرارداد بین کشورها هیچ ارتباطی با قدرت و یا ضعف کشور طرف قرارداد ندارد و منشور سازمان ملل همه کشورها را برابر میداند.

اینکه ظریف ادعا کرده اگر آمریکا قدر قدرت بود حاضر به مذاکره با جمهوری ایران نمیشد؛ واجد این مفهوم است که اگر جمهوری اسلامی هم کشوری با قدرت بشود، حاضر به مذاکره با کشورهای دیگر نمیشود، اینکه شرط مذاکره را قدر قدرت دانستن از آن حرفهای بیسابقه و مربوط به داستان سرایان قهوه خانه های قدیم است.

مذاکره بین کشورها برای رفع مشکلات، حکم منشور سازمان ملل متحد است و ارتباطی به قدر قدرت بودن کشورها ندارد؛ منشور سازمان ملل میخواهد مشکلاتی که با مذاکره حل میشود گرفتار جنگ نشود.

حکم اسلام هم همین است و میخواهد کفار بدون جنگ و با مذاکره اسلام بیاورند و یا خراج بدهند.

مذاکرات ۵+۱ با جمهوری اسلامی ماموریتی است که از سوی شورای امنیت محول شده است و جمهوری اسلامی هیچ الزامی برای شرکت در مشارکت نداشته است و اکنون هم که فهمیده آمریکا قدر قدرت نیست راحت میتواند عقب بکشد.



در حالیکه جمهوری اسلامی شعارسی و پنج ساله اش این است که آمریکا هیچ غلطی نمیتواند بکند، پس اعتقاد داشته که آمریکا قدر قدرت نیست. با این وجود چگونه حالا فهمیده است که آمریکا قدر قدرت نیست؟

بر آمریکا و یا کشورهای اروپایی هرجی نیست که با جمهوری اسلامی مذاکره کنند ولی جمهوری اسلامی که ادعای اسلامی بودن را دارد و کتاب مقدس آنها اجازه نمیدهد که مسلمانان با کفار قبل از عقد قرارداد ذمه معامله و معاشرت کنند چطور

در حالیکه جمهوری اسلامی مدعی است که آمریکا به ایران خیانت کرده و ادعاهایش هم بی دلیل نیست بدون آنکه عقد ذمه با آن کشور امضا کند کشور ملت اسلامی ایران رابه بند اسارت آمریکا برای حد اقل ۲۵ سال در آورده است؟ ظریف باید به این پرسش پاسخ دهد.

فصل اعتماد

ظریف گفته است: «ما به خود آمریکائی ها گفته ایم که به شما اعتماد نداریم».

در این صورت چرا موافقت نامه ژنو که اساس رفتاری و تعهدات ایران است بدون مطالعه فقط ظرف یک روز آنرا هیئت ایرانی امضا کرد و اعلام هم نمود «برای اعتماد سازی نخوانده موافقت نامه ژنو را امضا کرده است = عراقچی».

آیا باروکردنی است که پس از سی و پنج سال بی اعتمادی یک روزه ایجاد اعتماد بین ایران و آمریکا بشود و موافقت نامه ننگین ژنو از سوی نمایندگان ایران امضا بشود و امروز که قضیه به تفاهم یکطرفه رسیده مسئله عدم اعتماد بهانه شود؟

هیچ نادانی در جریان مذاکره برای انجام یک امری، به عدم اعتماد خود و یا طرف استناد نمیکند. اعتماد فصلی نیست که حضورش از ارکان معامله باشد؛ اعتماد از امور ثابت نیست متحول است با کوچکترین نوسانی متغیر میشود. نمیشود آنرا شرط صحت عقد دانست؛ و همچنین نمیتوان به عدم آن در جریان معاملات متوسل شد و سبب سستی قرارداد و اجرای آن خواهد شد، زیرا اصل، وجود اعتماد در حد لازم برای عقد قرارداد است و اگر خلاف آن ثابت شود یا قرارداد تنظیم نمیشود و یا قرارداد خاصی خواهد شد که محتوای پردر دسر ساز خواهد داشت.

معاملات تجاری و حتی زناشویی با آنکه در شرائط اعتماد متقابل و اذعان به آن صورت میگیرد در اثر شرائطی که پیش میآید و ممکن است دفع آن از حیثه اقتداریک طرف و یا طرفین قرارداد خارج باشد سبب عدم تحرک قرارداد و یا بطلان آن میشود تا چه رسد که از همان روز نخست مذاکره صحبت از عدم اعتماد طرفین شود.

چند ماه قبل از مذاکرات لوزان و وین شعارهای مرگ بر آمریکا از دیوارهای شهرهای ایران پاک شد و دیگر صحبتی از مرگ آمریکا نبود. زیرا جریان مذاکرات هسته ای این اقدامات ظاهری را ایجاب میکرد؛ چرا باید در فاصله سه ماهه تا موافقت نامه جامع که محصول تفاهم های طرفین است شمشیر کشی شروع شود؟

واقعا آنقدر بی تجربگی و بی اطلاعی در هئیت نمایندگی جمهوری اسلامی در مذاکرات هسته ای عجیب و حیرت آور است؛ این نوع شمشیر کشیدن در مذاکرات کار مردم عوام است نه هیئت نمایندگی یک کشور. آنهم در مذاکرات با کشورهای خارجی، پس اصل رعایت نزاکت های بین المللی کجا رفته که این لچاره بازی ها جای آنرا گرفته است؟

حسن نیت

در عقد قرارداد ها بطور کلی و در مورد کشورها بطور خاص حسن نیت لازم است؛ حسن نیت هم به معنای درک نیت طرف و وجود صداقت در آن نیست، زیرا نیت از امور معنوی اشخاص است و درک آن برای ثالث مقدور نمیشود.

مقصود از حسن نیت در قرارداد، قراردادی است که همراه با اظهاراتی باشد که سبب گمراهی طرف قرارداد نشده باشد؛ و این همان است که در قانون مدنی بعنوان کره و تدلیس پیش بینی شده است.

تعارض در گفتار

آقای ظریف در بیانیه مشترک با نماینده اتحادیه اروپا گفته است:

>..... ما امروز یک گام تعیین کننده را برداشتیم. ما راه حل هائی در مورد مولفه های برنامه جامع اقدام مشترک بر جام دست یافته ایم. این مدیون عزم سیاسی، حسن نیت، تلاش جدی همه طرفها بوده است <.....

اظهارات آقای جواد ظریف تائید و استقبال از حسن نیت همه کشورهای طرف مذاکره؛ حتی حسن نیت جمهوری اسلامی است دیگر صحبت از عدم وجود اعتماد و ادامه دشمنی لااقل جایش در این بیانیه مشترک نبوده است که بفاصله یکی دو ساعت جای حسن نیت آمریکا را خیانت آمریکا بگیرد.

ظریف گفته است: > امید داریم که آمریکا برای اعتماد شکسته شده اش در میان مردم ایران فکری بکند و خیانت هایشان را جبران کند.

اقرار ظریف به اعتماد شکسته شده آمریکا و خیانتکاری آن کشور و امید واری به اینکه آمریکا برای جبران خیانت هایشان کاری کند، به هیچوجه اجازه نمیدهد که ایشان با آمریکا مذاکراتی را دنبال کند مگر وقتی که بنابر امید آقای ظریف > آمریکا برای جبران خیانت هایش کاری بکند < زیرا از نظر اصولی > علم به فساد در موضوع و یا شخص مانع انجام معامله است.

(اساسا بحث صلاحیت ظریف برای مشارکت با نمایندگان ۱+۵ تاکنون به نقد کشیده نشده است گفته میشود که آقای ظریف تابعیت آمریکا را دارد، اگر چنین باشد تابعیت دوم ایشان سالب صلاحیت ایشان در دفاع از حقوق ایران خواهد بود).

گم کردن نقشه راه

آقای ظریف چنان راجع به تفاهم نامه صحبت و نتیجه گیری کرده است که گویا فراموش کرده که خود ایشان گفته است تفاهم نامه فاقد اثر حقوقی است و یک امر یکطرفه است.

خود ایشان در همان بیانیه مشترک با نماینده اتحادیه اروپا میگوید:

> تاکنون میتوانیم مجدداً نگارش متن توافق نهائی و ضمائ آنرا با بهره گرفتن از راه حل هائی که در آن چند روزه به آن دست یافته ایم شروع کنیم.

یعنی تفاهم ایران و همچنین تفاهم آمریکا هیچ چیز قطعی نیست و توافق نهائی هم نمیباشد و همه اینها وقتی قائم بوجود حقوقی میگردد که نگارش متن توافق نهائی انجام و به امضای طرفین برسد.

بنابراین ملاحظه میفرمائید آنجا که ایشان آمریکا را به خلاف گویی متهم میکند و یا برعکس آمریکا جمهوری اسلامی را به پنهان کاری تفاهم نامه متهم میکند ادعای هردو نا بجاست و همانطور که در

اعلامیه وزارت خارجه آمریکا آمده > آمریکا و ایران هریک تفاهم نامه مربوط به توقعات خودشان را تنظیم کرده اند > بنابراین بسیار دور از فهم و بصیرت است که انتظار هماهنگی بین آنها را داشت.

آیا تفاهم نامه ادعائی ایران را ۵+۱ امضا کرده است که بتوان ۵+۱ را در موقعیت عدول و یا خلاف گویی قرارداد؟ البته که خیر، پس سندی که حاوی امضای طرفین قرارداد نباشد سند نیست و نمیتوان به آن استناد کرد.

آمریکا مشکل دارد

آقای ظریف گفته آمریکا با منتقدانش مشکل دارد و متنی منتشر کرده که به ایران تعهداتی بدهد.

سندی را که ایران امضا نکرده چگونه ممکن است تعهدات آن متوجه ایران بشود؟ آیا سناتور ها و منتقدین باراک اوبا این درس ساده و پیش پا افتاده را نمیدانند که آقای ظریف اینطور ناشیانه به کاهدان زده است؟ آمریکائی ها پدر آن مسئولینی که به آنها دروغ بگویند را در میآورند، مگر جمهوری اسلامی هستند که هرچه ولی فقیه گفت همان باشد و کسی حق اظهار نظر نداشته باشد؟

آقای ظریف گفته است: > در قالب توافق نهائی اقداماتی انجام خواهد شد که مورد تائید مسئولین نظام است <

آقای فرانک والتر وزیر خارجه آلمان هنگام سفر به لهستان گفته: > هنوز زود است که برای توافق هسته ای با ایران جشن گرفته شود <.

یعنی هنوز چیزی قطعی نیست و در آینده قطعی خواهد شد، و آن زمان است که خواستهای مسئولین نظام منظور خواهد شد. پس از حالا نمیتوان قصاص قبل از جنایت کرد.

دزد را رها کرده جای پایش را گرفته

تفاهم نامه ایران هیچ اشاره ای به تحریم های کنگره ندارد در حالیکه ۹۰ درصد فشار تحریم ها بر ملت و ایران ناشی از تحریم های کنگره آمریکا است که تفاهم نامه های طرفین نسبت به آن مسکوت است و تنها در تفاهم نامه آمریکا صریحا ذکر شده که رفع تحریم های تفاهم نامه توجهی به تحریم های کنگره ندارد.

ظریف این سکوت و گرفتاری بزرگ را نادیده گرفته و تنها به پای تحریم های شورای امنیت چسبیده که تنها ۱۰ درصد تحریم های علیه ایران را تشکیل میدهد و در اینجا هم دست از پنهان کاری نکشیده و اکنون خواهید دید که چگونه به حيله گری متوسل شده است.

پنهان کاری شوه مدام جمهوری اسلامی

در متن کامل بیانیه پایانی مذاکرات لوزان که بوسیله آقای ظریف و خانم فدريکا قرائت شد آمده است:

«اتحادیه اروپایی اعمال تحریم های مرتبط با هسته ای خود را خاتمه خواهد داد و ایالات متحده آمریکا نیز اجرای تحریم های مالی و اقتصادی ثانویه مرتبط با هسته ای را همزمان با اجرای تعهدات عمده هسته ای ایران بنحوی که توسط آژانس انرژی اتمی راستی آزمایی شود متوقف خواهد کرد.»

یک قطعنامه جدید شورای امنیت صادر خواهد شد که در آن برجام تائید شده کلیه قطعنامه های قبلی مرتبط با موضوع هسته ای لغو خواهد شد و برخی تدابیر محدودیت ساز مشخص را برای یک دوره زمانی مورد توافق لحاظ خواهد کرد.

اکنون به بینیم که آقای ظریف در مصاحبه با تلویزیون جمهوری اسلامی چه گفته:

مقایسه کند و خلاف گورا شناسد

آقای ظریف در مصاحبه مورد نقد گفته است: «در بیانیه مشترک با فدریکاموگرینی نماینده اتحادیه اروپا عنوان شده که «همه قطعنامه های شورای امنیت از روز توافق لغو میشود»».

آقای ظریف مسئله راستی آزمایی که باید به تائید آژانس اتمی برسد و همچنین برخی تدابیر محدودیت ساز مشخص برای یک دوره زمانی که خود آقای ظریف آنرا در بیانیه مشترک اعلام کرده از مصاحبه خودشان حذف کرده است.

تدابیر محدودیت سازی یعنی قطعنامه ای که جایگزین قطعنامه های سابق شورای امنیت میشود؛ بنابراین آنچه که آقای ظریف به خورد مردم ایران داده کذب محض است.

بالبدن به فصاحت

آقای ظریف در مصاحبه مورد نقد گفته است: «افتخار ما این است که باشش کشور مختلف مذاکره کنیم و نتوانند خواسته هایشان را بما تحمیل کنند.»

آری ۲۵ سال سلطه نظارتی آمریکا بر ایران و تبدیل پایگاه های هسته ای زیر ۷۰ مترکوه به مدرسه و انبار و اتلاف ۲۵۰ میلیارد دلار هزینه مصرفی ۱۰ سال فعالیت هسته ای فصاحت است نه افتخار.